

تحلیلی بر اندازه‌گیری خط فقر نسبی در استان چهارمحال بختیاری

ماه پسند مالکی سونکی^۱، محمدحسین سرائی^۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۸/۱۶، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱

چکیده

هدف از این مطالعه، بررسی و تحلیل و تبیین خط فقر نسبی بر اساس روش ۵۰ و ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج خانوارهای شهری و روستایی در استان چهارمحال بختیاری با شاخص‌های اصابت فقر و شدت فقر در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۵ است. روش تحقیق مقاله «توصیفی - تحلیلی» است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته توزیع درآمد در آخرین سال مطالعه (۱۳۹۵)، ده درصد از ثروتمندترین جمعیت نسبت به ده درصد از فقیرترین جمعیت در مناطق شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری به ترتیب ۶/۶۸ و ۸/۲۴ می‌باشد. این ارقام در سطح کشور به ترتیب ۷ و ۸/۵۳ درصد است. ارقام نشان می‌دهد که توزیع درآمد در جامعه‌ی شهری استان چهارمحال و بختیاری نسبت به جامعه شهری کشور و جامعه روستایی استان از وضعیت بهتر برخوردار است. برای محاسبات خط فقر نسبی بر اساس روش ۵۰ و ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج از شاخص‌های اصابت فقر و شکاف و شدت فقر استفاده شده است، با مقایسه‌ی اصابت فقر و شدت فقر مشخص می‌شود که اگر چه اصابت فقر (درصد افراد زیر خط فقر) تغییر چندانی نکرده است ولی با توجه به افزایش شدت فقر که برای نقاط شهری از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به روش ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج از ۱۲/۸۸ به ۳۵/۲۳ یعنی ۲/۷۲ برابر افزایش پیدا کرده است و برای نقاط روستایی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به روش ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج از ۱۰/۱۳ به ۲۷/۸۸ یعنی ۲/۷۵ برابر افزایش پیدا کرده است.

کلیدواژگان: خط فقر نسبی، روش ۵۰ و ۶۶ درصد میانه، اصابت فقر، شدت فقر، استان چهارمحال بختیاری

۱- دانشجوی کارشناس ارشد گروه جغرافیا دانشگاه یزد (نویسنده مسئول، ایمیل: M.malekie67@gmail.com).

۲- دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه یزد.

مقدمه

امروزه فقر و نابرابری به عنوان مهم‌ترین چالش جامعه‌ی بشری، فراروی جهانیان خودنمایی می‌کند و جمعیت بیش از ۱/۲ میلیارد نفر را در بر می‌گیرد (بانک جهانی، ۱۳۸۱: ۹). در بسیاری از فرهنگ‌ها فقر عدم تکافوی ضروریات تعریف شده است (معنوی، ۱۳۸۷: ۴۵). پدیده‌ی فقر از دیرباز با انسان بوده و یکی از مسائل اساسی و رایج جوامع و فرهنگ‌های شناخته شده بشری را تشکیل داده است (زیاری و موسوی، ۱۳۸۷: ۲). با صنعتی شدن کشورها به نظر می‌رسید که این معضل نیز برطرف شود، لیکن چنین نشد و در سال‌های اخیر این مسئله افکار جوامع بشری به ویژه کشور های در حال توسعه را بیشتر به خود مشغول کرده‌اند. از طرف دیگر رسیدن به توسعه و سازندگی در یک کشور مستلزم شناسایی و اندازه‌گیری میزان فقر و راهکارهایی برای از بین بردن آن است (معنوی، ۱۳۷۸: ۱). به هر حال فقر نمودی از توسعه نیافتگی بوده و در کشورهای مختلف تلاش می‌کنند با اجرای برنامه‌های مختلف آن را کاهش دهند و در صورت امکان از بین ببرند (سلامی و محتشمی، ۱۳۹۵: ۲). بررسی فقر از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد از جمله هدفمندسازی انواع کمک‌ها به اقشار محروم و بررسی روند و نحوه تغییرات اصابت، عمق و شدت فقر در طول زمان و در مکان‌های مختلف، مسئله‌ای که باید به آن توجه کرد این است که چتر حمایتی باید طوری گسترده شود که همه‌ی افراد مستحق، از آن بهره‌مند شوند و افرادی که استحقاق ندارند را شامل نشوند. به این ترتیب روش‌هایی را برای شناسایی فقر انتخاب کرده که فقیرترین افراد در اولویت برنامه‌ریزی فقرزدایی قرار گیرند. نارسایی بخش‌های اقتصادی، رکود، بیکاری شدید، توزیع نامناسب درآمد، عوامل اجتماعی و اقتصادی مختلف موجب شده تا خانواده‌های کم درآمد شهری و روستایی به طور جدی در معرض فقر قرار گیرند و اقشار محروم، از کمک‌های دولت آن گونه که باید، بهره‌مند نشوند. لذا توجه و نگرشی نو به موضوع فقر ضرورت پیدا می‌کند (پیرائی و قناعتیان، ۱۳۸۵: ۲). کاهش فقر و نابرابری از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران در جوامع مختلف جهان است به طوری که نخستین هدف از مجموعه اهداف توسعه هزاره، ریشه کن کردن فقر شدید و گرسنگی می‌باشد، اما همان طور که اهداف توسعه نشان می‌دهد فقر شدید ابعاد گسترده‌ای دارد که درآمد پایین، آسیب پذیری در قبال بیماری، محرومیت از تحصیل، گرسنگی و سوء تغذیه مداوم، عدم دسترسی به تسهیلات رفاهی اولیه از جمله آب آشامیدنی سالم را هم شامل می‌شود که زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کند (میرباقری هیر، ۱۳۹۵: ۹۳). بنابراین براساس آنچه که گفته شد، معیارهایی چون خط فقر، درصد افراد فقیر، شکاف فقر و بسیاری از معیارهای مانند آن به شناسایی فقیران و نیز تعداد یا درصد آنها می‌پردازد (فطرس و قدسی، ۱۳۹۵: ۱).

مبارزه با فقر در ایران سابقه‌ی طولانی دارد و مردمی بودن اقدامات و نوآوری‌ها در این زمینه در کاهش فقر جوامع محلی و حداقل در نگهداشت آن موثر بوده است. جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی و تأکیدی که طی دو دهه گذشته بر کاهش فقر وجود داشته مبنای انجام اقدامات و عملیات گسترده‌ای از سوی دولت بوده است که عمدتاً به شکل توسعه‌ی روستایی، ایجاد زیربنا و پوشش حمایتی گسترده از خانواده‌های فقیر نمود یافته است (حسن زاده و ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۵). اما بررسی تجربی آمارهای کشور نشان می‌دهد که علیرغم اجرای سه برنامه‌ی توسعه، سیاست کاهش فقر به صورت یک برنامه‌ی استراتژیک و پایدار در طول برنامه‌های توسعه‌ی ای به کار گرفته نشده است (اقتصادیان، ۱۳۸۳: ۶۹). به هر حال آگاهی از وضعیت و میزان فقر در هر مکان و زمان برای برنامه‌ریزی در جهت کاهش آن از اهمیت زیادی برخوردار است. در مناطق مختلف یک کشور معمولاً به دلیل اختلاف در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میزان و خط فقر متفاوت است. لذا، برآورد شاخص‌های مرتبط با فقر در هر منطقه یا استان و وضعیت، تغییر شاخص‌ها در طی زمان برای برنامه‌ریزی دقیق‌تر و بهتر لازم است.

بنابراین مقاله حاضر درصدد است تا با استفاده از آمار و اطلاعات آماری از هزینه خانوار شهری و روستایی استان چهارمحال بختیاری چگونگی توزیع درآمد و نابرابری در نقاط شهری و روستایی بررسی کند و وضعیت فقر نسبی در خانوارهای شهری و روستایی به روش ۵۰ و ۶۶ درصد میانهای مخارج را با شاخص‌های اصابت فقر (نسبت سرشمار فقر)، شکاف فقر و شدت فقر برای سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ برآورد کند.

بر اساس فرضیه‌ی در نظر گرفته شده در این تحقیق، انتظار می‌رود در سال ۱۳۹۵ شاخص اصابت فقر در خانوارهای شهری استان چهارمحال و بختیاری نسبت به سال ۱۳۹۰ کاهش و شاخص شدت فقر افزایش یافته باشد.

در حالی که پژوهش‌های مرتبط با فقر از قدمتی صد ساله برخوردارند اما چالش فقر همچنان باقی است (hayati et al. 2004). از سوی دیگر هر چند مطالعات زیادی در خصوص علل شکل‌گیری فقر انجام شده‌اند، اما در این زمینه نیز اتفاق نظر چندانی وجود ندارد (hayati and karami, 2005: 885). بنابراین ارائه تعریف واحدی از فقر که بتوان در مقاطع زمانی خاص برای جوامع مختلف صدق کند دشوار است. بوت و رانتری در اواخر قرن نوزدهم تلاش کردند بین فقر مطلق و نسبی تمایز قائل شوند، از دیدگاه آنها فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استانداردهای زندگی تعریف شده است و بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معینی از استاندارد های زندگی که در جوامع فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است (ارضوم چیلر، ۱۳۸۴: ۱۲). لذا برای مشخص کردن فقیر از غیرفقیر از ابزار خط فقر می‌توان استفاده نمود که در زیر به تعریفی از خط فقر مطلق و نسبی مبادرت می‌شود.

خط فقر مطلق به مفهوم سطحی ثابتی از درآمد حقیقی و یک حداقل کافی از استاندارد زندگی را برای یک خانوار تامین می‌کند (کازرونی، ۱۳۷۷: ۱۳۶). در گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۹۰ بانک جهانی شاخص استاندارد را برای تعیین فقر مطلق و تعریف آن در فقیرترین کشورهای جهان ارائه داد. بر این اساس رفاه مردم در کشورهای مختلف که با توجه به تفاوت قدرت خرد پول کشورها تعدیل می‌شود مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. با توجه به استانداردهای برآورده شده در فقیرترین کشورها، خط فقر بین المللی بیان‌کننده‌ی حداقل هزینه‌ی لازم برای تامین نیازهای اساسی انسان است. که لزوماً درست نیست (میرشجاعی، ۱۳۹۰: ۲). فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معینی از استانداردهای لازم یا مطلوب زندگی در جامعه تعریف می‌شود که بیشتر معیاری از توزیع نابرابر درآمدها است. در واقع، این نوع فقر در شرایطی است که فرد نسبت به متوسط شرایط درآمدی جامعه وضعیت مناسبی ندارد. گالبرایت اشاره می‌کند مردمی فقیرند که درآمدشان حتی اگر برای بقا کافی باشد از درآمد اجتماع بسیار پایین تر است (آهنگری و عسکری پور، ۱۳۹۶: ۳). برای اندازه‌گیری فقر نسبی و تعیین فقرا و جدا کردن آنها از افراد غیرفقیر به آستانه یا خط فقر نسبی نیاز است. این آستانه‌ی مخارج بر اساس واحد پولی تعریف می‌شود. ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارها و نیز ۵۰ و ۶۶ درصد میانهای مخارج خانوارها روش‌های متداول برای تعیین خط فقر نسبی محسوب می‌شوند. از جمله شاخص‌های مهم که در مطالعات متعدد مورد توجه بوده‌اند می‌توان به اصابت فقر، شکاف درآمدی و شدت فقر اشاره کرد.

روش شناسی

با توجه به ماهیت موضوع و مولفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر فضای تحقیق " توصیفی - تحلیلی " است. نمونه‌ی آماری مناطق شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری بوده که اطلاعات مورد نیاز از نتایج تفصیلی آماری از هزینه و درآمد خانوار شهری و روستایی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ از مرکز آمار ایران استخراج گردیده است، به صورتی که به ترتیب نمونه آماری برای مناطق شهری و مناطق روستایی، میانگین خانوارهای مورد مطالعه در طول این دوره ی شش ساله ۴۸۵ خانوار برای مناطق شهری و برای مناطق روستایی ۵۰۱ خانوار مورد مطالعه قرار

گرفته شده است. ابتدا دهک‌های هزینه‌ای از طریق خانوارهای جامعه‌ی نمونه‌ای بر اساس هزینه‌ی سرانه طبقه‌بندی شده است، سپس با روش ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارها پس از محاسبه‌ی میانگین مخارج خانوارهای نمونه، ۵۰ یا ۶۶ درصد آن به عنوان خط فقر نسبی در نظر گرفته می‌شود (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴). که با استفاده از خط فقر نسبی ۶۶ درصد میانه مخارخ سالانه، شاخص‌های اصابت فقر، شکاف فقر و شدت فقر را برای مناطق شهری و روستایی استان چهارمحال بختیاری حساب شده است.

اصابت فقر: (شاخص نسبت سرشمار فقر)

$$H = \frac{q}{n}$$

q: تعداد خانوارها (افراد) پایین‌تر از خط فقر

n: تعداد کل خانوارها

y: درآمد خانوار پایین‌تر از خط فقر

Z: خط فقر

این شاخص تصویری ساده از میزان فقر در جامعه ارائه می‌دهد و رایج‌ترین روش اندازه‌گیری شاخص فقر محسوب می‌شود (تانسند، ۱۹۸۵).

خالدی و زوار (۱۳۸۴)، در مطالعه‌ی تحت عنوان: بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران، خط فقر نسبی در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۸۰ را با روش ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوار، برابر ۱۴۰۱۰۰۰۰ ریال برآورد کرده است.

افتخاریان و سلیمی فر (۱۳۹۳)، برای بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری در سطح کشور و نیز استان کرمان به تعیین خط فقر نسبی در مناطق شهری بر مبنای ۵۰ و ۶۶ درصد مخارج پرداخته است. مطابق نتایج این تحقیق در سال ۱۳۹۱ بر مبنای روش ۵۰ درصد، خط فقر نسبی در مناطق شهری استان برای خانوار چهار نفره، بالغ بر ۵۸۶۷۰۶۶۴ و با روش ۶۶ درصد ۷۷۴۴۵۲۷۶ ریال بوده است. همچنین، در این مطالعه خط فقر نسبی در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۹۱ به ترتیب ۸۲۱۴۰۳۱۰ و ۱۰۸۴۲۵۲۰۹ ریال اعلام شده است (افتخاریان و سلیمی فر، ۱۳۸۴).

راگلس (۱۹۹۲)، با روش ۵۰ درصد میانه مخارج شاخص فقر نسبی را برای شهروندان آمریکایی در سال ۱۹۸۸ برآورد نموده است؛ همچنین خط فقر نسبی بر مبنای ۶۰ درصد و ۵۰ درصد میانه برای کشورهای اتحادیه‌ی اروپا در سال ۲۰۰۵ برآورد گردیده است. و بر این اساس کشورها با یکدیگر مقایسه شده‌اند (مارکس و بوش ۲۰۰۷). کمیسیون اروپایی (۲۰۱۱)، نیز با روش ۶۰ درصد میانه اقدام به اندازه‌گیری فقر نسبی در سال ۲۰۰۸ در کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا کرده است. گزارش توسعه‌ی انسانی مالزی در سال ۲۰۱۳ بیان می‌کند که بر اساس تعریف فقر نسبی از سال ۲۰۰۷ تعداد افراد فقیر بیشتر شده است و از هر پنج خانواده‌ی مالزیایی یک خانواده فقیر محسوب می‌شوند. خط فقر نسبی مبلغ ۱۸۱۳ رینگت تعیین شده است که بر اساس آن ۵ درصد از مردم مالزی در فقر نسبی قرار دارند، که این رقم با سیر صعودی در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ به ترتیب به ۱۹ و ۲۰ درصد افزایش یافته است (سازمان ملل متحد، گزارش توسعه‌ی انسانی مالزی، ۲۰۱۳).

معرفی استان چهارمحال و بختیاری



شکل ۱: موقعیت استان چهارمحال و بختیاری در کشور

استان چهارمحال و بختیاری یکی از استان‌های کشور ایران است. مرکز این استان شهرکرد است. این استان با گستره‌ای برابر با ۱۶۰۴۲۱ کیلومتر مربع یک درصد از کل وسعت ایران، بیست و دومین استان کشور از نظر پهناوری می‌باشد. استان چهارمحال و بختیاری از جمله بخش‌های کوهستانی فلات مرکزی ایران محسوب می‌شود و ۳۱ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی گریونیچ قرار دارد. این استان از شمال و مشرق به استان اصفهان، از مغرب به استان خوزستان، از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد و از سوی شمال غربی به استان لرستان محدود می‌شود.

شهرهای شهرکرد، بروجن، هفشجان، فرخ شهر و لردگان از شهرهای مهم این استان می‌باشند. [نیازمند منبع] شهرکرد مرکز کنونی استان، بروجن شاهراه ترانزیتی استان و هفشجان نماد و جلوگاه تاریخ ۹۰۰۰ ساله این استان محسوب می‌شود. مرکز این استان شهرکرد است و با ۲۰۶۶ متر ارتفاع از سطح دریا، مرتفع‌ترین مرکز استان کشور ایران است. میانگین ارتفاع در استان چهارمحال و بختیاری حدود ۲۱۵۳ متر است و به همین سبب استان چهارمحال و بختیاری را بام ایران می‌دانند (امیدوار، ۱۳۸۹، ۲).

یافته ها و بحث

توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی استان چهارمحال بختیاری

بررسی چگونگی توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی یکی از روش‌های ارزیابی سیاست‌های عدالت اجتماعی و تحقق برنامه‌های فقرزدایی است. به منظور سنجش وضعیت توزیع درآمد در استان چهارمحال و بختیاری و مقایسه‌ی آن با کشور از روش‌های حسابی (دهک‌ها) و روش‌های جبری (ضریب جینی) استفاده شده است. جدول ۱ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۵ در مناطق شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری سهم ۱۰ درصد از فقیرترین افراد از درآمد استان به ترتیب ۳/۴ درصد و ۲/۵ درصد بوده است. در حالی که سهم ۱۰ درصد از ثروتمندترین افراد (دهک دهم) ۲۲/۷ و ۲۰/۶ درصد بوده است. این ارقام در کشور ۳/۳ و ۲/۶ درصد برای دهک اول و ۲۳/۱ و ۲۲/۲ درصد برای دهک دهم یا دهک ثروتمند از سهم درآمد ملی بوده است. در سطح استان درآمد ده درصد از ثروتمندترین جمعیت نسبت به ده درصد از فقیرترین جمعیت در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۲۳/۷ و ۸/۲۴ برابر بوده است در حالی که این ارقام برای سطح کشور در سال ۱۳۹۵ به ترتیب ۷ و ۸/۵۴ برابر بوده است.

ارقام فوق بیانگر آن است که توزیع درآمد در نقاط شهری استان چهارمحال و بختیاری نسبت به نقاط شهری کشور از وضعیت نامناسبی برخوردار است ولی در نقاط روستایی استان نسبت به نقاط روستایی کشور از وضعیت مناسب تری برخوردار است. در حقیقت هرچه از دهک اول به طرف دهک های پایین برویم نابرابری توزیع درآمد افزایش پیدا می‌کند که بالاترین نابرابری، در آمد کسب شده ده درصد ثروتمند ترین دهک(دهک دهم) نسبت به ده درصد فقیر ترین دهک(دهک اول) درآمدی است.

جدول ۱: سهم دهک های جمعیت از درآمد جامعه به درصد در نقاط شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری و کشور ۱۳۹۵

مناطق	شهری استان	روستایی استان	شهری کشور	روستایی کشور
D ₁	۳,۴	۲,۵	۳,۳	۲,۶
D ₂	۴,۷	۴,۱	۴,۶	۴
D ₃	۵,۶	۵,۳	۵,۶	۵
D ₄	۶,۲	۶,۶	۶,۳	۶,۴
D ₅	۷,۷	۷,۴	۷,۳	۸,۲
D ₆	۸,۸	۹,۱	۸,۹	۸,۹
D ₇	۱۰,۲	۱۱,۱	۱۱,۹	۱۲,۴
D ₈	۱۳,۶	۱۴,۸	۱۳,۲	۱۳,۴
D ₉	۱۷,۱	۱۸,۵	۱۵,۸	۱۶,۹
D ₁₀	۲۲,۷	۲۰,۶	۲۳,۱	۲۲,۲

مأخذ: یافته های تحقیق

در جدول ۲ روند نابرابری توزیع درآمد در سطح استان و کشور مورد بررسی قرار گرفته است. جدول ۲ گویای آن است که در سال ۱۳۸۹ توزیع درآمد استان چهارمحال و بختیاری و کشور در وضعیت «نیمه متعادل» قرار داشته است زیرا ضریب جینی در نقاط شهری و روستایی استان و کشور به ترتیب ۳۵، ۳۴ و ۳۸، ۳۸ بوده و در بین $G < 0.5$ /۳ «وضعیت نیمه متعادل» قرار داشته است. ضریب جینی در تمامی سالها در استان چهارمحال و بختیاری و کشور وضعیت «نیمه متعادل» را نشان می‌دهد ولی در همین سالها فراز و فرود اندکی صورت گرفته است به عنوان مثال در نقاط شهری استان چهارمحال و بختیاری ضریب جینی از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ روند کاهشی را نشان می‌دهد، اما در از سال ۱۳۹۲ به بعد روند افزایشی را پیش می‌گیرد. اوج نابرابری درآمد در نقاط شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۸۹ و در استان چهارمحال و بختیاری هم در سال ۱۳۸۹ بوده است که نشانگر بیشترین شکاف و نابرابری در سال ۱۳۸۹ بوده است و همچنین این امر بیانگر آن است که توزیع درآمد در استان چهارمحال و بختیاری متاثر از توزیع درآمد ملی و سیاستها و برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی کشور است.

جدول ۲: مقایسه‌ی ضریب جینی توزیع درآمد در نقاط شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری و کشور از سال ۱۳۸۹-۱۳۹۴

سال	شهری استان	روستایی استان	شهری کشور	روستایی کشور
۱۳۸۹	۳۵	۳۴	۳۸	۳۸
۱۳۹۰	۳۳	۳۱	۳۶	۳۴
۱۳۹۱	۳	۳۲	۳۵	۳۳
۱۳۹۲	۲۸	۲۵	۳۵	۳۲
۱۳۹۳	۳۱	۳	۳۶	۳۴
۱۳۹۴	۳۳	۳۲	۳۷	۳۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

خط فقر برای شهرنشینان استان چهارمحال و بختیاری

روش‌های اندازه‌گیری خط فقر متنوع است. بسته به مفهوم فقر مطلق یا نسبی و یا مفهوم عینی و ذهنی بودن فقر هر کدام می‌تواند تعیین کننده‌ی روش محاسبه‌ی خط فقر باشد. به عبارت دیگر خط فقر مقدار معین و غیر قابل تغییر نیست بلکه بسته به مفهومی که از فقر در نظر است روش محاسبه‌ی آن انتخاب می‌شود (خدادادکاشی و سلیمان نژاد: ۱۳۹۱، ۵). یکی از روش‌های تعیین خط فقر نسبی، تعیین میانه‌ی هزینه‌ی سرانه برای خانوارهای مورد مطالعه و محاسبه‌ی ۵۰ تا ۶۶ درصد آن به عنوان خط فقر نسبی می‌باشد (عرب مازار و حسینی نژاد: ۱۳۸۳، ۳). به منظور محاسبه‌ی خط فقر از این روش، ابتدا بر اساس هزینه‌ی سرانه، خانوارها به ده دهک تقسیم می‌گردند. آنگاه میانگین هزینه‌ی سرانه دو دهک پنجم و ششم به عنوان میانه‌ی هزینه‌ی خانوار در نظر گرفته می‌شود. در نهایت خط فقر بر پایه‌ی ۵۰ و ۶۶ درصد این میانه محاسبه می‌گردد (خدادادکاشی و فرهاد، ۱۳۸۱، عرب مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳، ابونوری و مالکی، ۱۳۸۷). نتایج حاصل از برآورد خط فقر بر اساس ۵۰ درصد و ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج به تفکیک برای خانوارهای شهری و روستایی در جدول ۳ و ۴ نشان داده شده است.

جدول ۳: برآورد خط فقر نسبی خانوارهای شهری استان چهارمحال بختیاری بر پایه‌ی ۵۰ و ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج (سالانه به ملیون

ریال) از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵

سال	خط فقر بر مبنای ۵۰ درصد میانه‌ی مخارج	خط فقر بر مبنای ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج
۱۳۹۰	۶۵	۸۵/۸
۱۳۹۱	۷۶/۲۵	۱۰۰/۶۵
۱۳۹۲	۹۰	۱۱۸/۸
۱۳۹۳	۹۵	۱۲۵/۴
۱۳۹۴	۱۱۰	۱۴۵/۲
۱۳۹۵	۱۳۲/۵	۱۷۴/۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴: برآورد خط فقر نسبی خانوار روستایی استان چهارمحال و بختیاری بر پایه‌ی ۵۰ و ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج (سالانه به ملیون ریال)

از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵

سال	بر مبنای ۵۰ درصد میانه‌ی مخارج	بر مبنای ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج
۱۳۹۰	۴۷/۵	۶۲/۷
۱۳۹۱	۵۷/۷۵	۶۹/۳
۱۳۹۲	۵۷/۷۵	۶۹/۳
۱۳۹۳	۸۲/۵	۱۰۸/۹
۱۳۹۴	۹۰	۱۱۸/۸
۱۳۹۵	۹۲/۵	۱۲۲/۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۳ نشان می‌دهد بر اساس روش ۵۰ درصد میانه‌ی مخارج، در سال ۱۳۹۰ خط فقر نسبی حدود ۶۵ میلیون ریال در مناطق شهری استان بوده است که در سال ۱۳۹۵ این رقم به ۱۳۲/۵ میلیون ریال افزایش یافته است. از طرف دیگر بر اساس خط فقر ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج، خط فقر نسبی برای مناطق شهری در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب معادل ۸۵/۸ و ۱۷۴/۹ میلیون ریال بوده است. مخارج خانوارهای شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری در طی دوره‌ی مورد مطالعه همواره روند افزایشی داشته است.

جدول ۵: اصابت فقر و شدت فقر نسبی بر مبنای ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج خانوارهای شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری

سال	اصابت فقر مناطق شهری	شدت فقر مناطق شهری	اصابت فقر مناطق روستایی	شدت فقر مناطق روستایی
۱۳۹۰	۳۳/۹۴	۱/۱۲۸۸	۲۹/۵۳	۱/۰۱۳
۱۳۹۱	۲۵/۶۱	۱/۲۰۹۲	۲۵/۳۴	۱/۱۴۳۵
۱۳۹۲	۱۹/۲۸	۱/۱۵۸۳	۱۴/۳۱	۱/۱۶۳۲
۱۳۹۳	۱۵/۷۶	۱/۲۳۰۱	۲۴/۰۶	۱/۲۱۶۹
۱۳۹۴	۳۰/۹۳	۱/۲۶۶۷	۲۴/۶۵	۱/۲۲۲۲
۱۳۹۵	۲۷/۹۵	۱/۳۵۲۳	۲۵/۷۶	۱/۲۷۸۸

مآخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج حاصله از جدول ۵ می‌توان نمودار زیر را برای روند تغییرات اصابت خط فقر بر اساس روش ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج خانوارهای شهری و روستایی به صورت شکل ۵ ترسیم نمود. اصابت فقر در دوره‌ی مورد مطالعه همواره دارای نوسانات بوده است؛ ولی به طور کلی می‌توان گفت که سال ۱۳۹۳ برای مناطق شهری و سال ۱۳۹۲ برای مناطق روستایی کمترین اصابت فقر را داشته‌ایم؛ این بدان معنی است که درصد افراد زیر خط فقر نسبی در این سال‌ها کمتر بوده است. این کاهش مبین نگرش مثبت در سیاست‌های فقرزدایی و توزیع مناسب درآمد در این سال‌ها بوده است ولی بعد از آن اصابت فقر هم برای مناطق روستایی و هم برای مناطق شهری روند افزایشی را داشته است و همچنان با توجه به نرخ بالای اصابت فقر (حدود ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۴ در مناطق شهری) بیانگر نیاز به تلاش بیشتر در کاهش فقر نسبی در جامعه می‌باشد.

شدت فقر در دوره‌ی مورد مطالعه روند افزایشی شدیدی داشته است، فقط در سال ۱۳۹۲ شدت فقر و اصابت فقر برای مناطق شهری کمی کاهش پیدا کرده است. شدت فقر در این استان در دوره‌ی مطالعه برای مناطق شهری از ۱۲٪ به ۳۵٪ (۲/۹۲ برابر) رسیده است و در مناطق روستایی از ۱۰٪ به ۲۷٪ (۲/۷ برابر) رسیده است. با مقایسه‌ی اصابت فقر و شدت فقر می‌توان فهمید؛ که با وجود افزایش خط فقر نسبی در استان چهارمحال و بختیاری، اصابت فقر (درصد افراد زیر خط فقر) در حال نوسان بوده است، ولی شدت فقر در جامعه افزایش یافته است و افراد زیر خط فقر تقریباً وضعیت نامناسب‌تری پیدا کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

امروزه فقر و نابرابری مهم‌ترین چالش جامع بشری محسوب می‌شود، در این بررسی به منظور سنجش وضعیت توزیع درآمد و تبیین خط فقر در استان چهارمحال و بختیاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برابر بررسی‌های انجام گرفته در مناطق شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری توزیع درآمد و امکانات در جامعه از شکاف عمیقی برخوردار است. به طوری که در سال ۱۳۹۵، دهک‌های درآمدی بیانگر آن است که ده درصد ثروتمندترین جمعیت نسبت به ده درصد از فقیرترین جمعیت در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۶/۶۸ و ۸/۲۴ برابر بوده است. این ارقام در سطح کشور به ترتیب برای نقاط شهری و روستایی ۷ و ۸/۵۳ برابر بوده است. مقایسه‌ی ضریب جینی توزیع درآمد در استان و کشور نشان می‌دهد که توزیع درآمد در استان متأثر از توزیع درآمد ملی و برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی کشور است. نتایج بدست آمده به تخمین خط فقر نسبی و شاخص‌های اصابت و شدت فقر بر اساس مفاهیم درصدی از میانه (روش ۵۰ و ۶۶ درصد) مخارج خانوارهای شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۵ پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با روش ۵۰ درصد میانه‌ی مخارج، خط فقر نسبی در بین خانوارهای شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۹۰ به ترتیب معادل ۶۵ میلیون ریال و ۴۷/۵ میلیون-ریال بوده که در سال ۱۳۹۵ این رقم به ۱۳۲/۵ میلیون ریال و ۹۲/۵ میلیون ریال افزایش یافته است. از طرف دیگر با

روش ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج، این رقم در سال ۱۳۹۰ برای مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۸۵/۸ میلیون ریال و ۶۲/۷ میلیون ریال بوده که در سال ۱۳۹۵ برای مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۱۷۴/۹ میلیون ریال و ۱۲۲/۱ میلیون-ریال افزایش یافته‌است. به عبارت دیگر می‌توان گفت بر اساس هر یک از این معیارها، خط فقر نسبی در بین خانوارهای شهری و روستایی استان چهارمحال بختیاری در فاصله‌ی مذکور بطور متوسط سالانه ۱۳ درصد افزایش یافته‌است. در این تحقیق شاخص اصابت فقر و شدت فقر نیز برآورد گردیده‌است. اصابت فقر در دوره‌ی مورد مطالعه دارای نوسان بوده‌است که کمترین اصابت فقر برای مناطق شهری و روستایی به ترتیب در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۲ بوده‌است. همچنین نتایج نشان می‌دهد شدت فقر در دوره‌ی مورد مطالعه روند افزایشی داشته‌است و به طوری که خط فقر نسبی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در مناطق شهری از ۱۳ درصد به ۳۵ و مناطق روستایی از ۱۰ به ۲۸ درصد رسیده‌است. با مقایسه‌ی اصابت فقر و شدت فقر مشخص می‌شود که اگر چه اصابت فقر (درصد افراد زیر خط فقر) تغییر چندانی نکرده‌است، ولی با توجه به افزایش شدت فقر، افراد زیر خط فقر وضعیت نامناسب‌تری پیدا کرده‌اند. با توجه به مطالب یاد شده، به نظر می‌رسد راهکارهایی جهت جلوگیری از افزایش شدت فقر در استان چهارمحال-بختیاری اتخاذ شود:

-کنترل تورم به منظور جلوگیری از افزایش خط فقر.

-از آنجایی که بهبود شدت فقر رابطه‌ی مستقیمی با توزیع درآمد دارد (مثلاً در سال ۱۳۹۲ برای مناطق شهری ضریب جینی ۲۸/ بهترین توزیع درآمد از همه سال‌های مورد مطالعه و شدت فقر نیز از سال ۱۳۹۱ که ۲۰۹۲/ بوده‌است در سال ۱۳۹۲ به ۱۵۸۳/ کاهش پیدا کرده‌است) مسئولین با تکیه بر سیاست‌های مناسب در جهت بهبود توزیع درآمد، وضعیت شدت فقر را بهبود ببخشند.

منابع

۱. آهنگر، عبدالمجید؛ عسکری پورلاقی، حسن (۱۳۹۷). اندازه‌گیری شاخص‌های فقر نسبی در خانوارهای شهری. فصل توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق). دوره ۱۲، شماره ۴ تابستان ۲۰۱۳ صص ۱۳-۱۱۳.
۲. انوری، اسماعیل؛ مالکی، نادر؛ (۲۰۰۸) خط فقر در استان سمنان در طول برنامه‌های توسعه (۱۳۳۸-۱۳۸۳). مجله مددکاری اجتماعی، سال هفتم، دوره ۲۸.
۳. ارزرول چیلر، نسرین (۲۰۰۵)، ابعاد مختلف فقر در ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه تحقیقات اقتصادی، شماره ۲۷.
۴. افتخاریان، پونه؛ سلیمی فر، مصطفی (۲۰۰۴). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره ۴، شماره ۵۴.
۵. اقتصاددانان، محمدرضا؛ حسینی نژاد، سید مرتضی؛ (۲۰۰۴) با بررسی عملکرد برنامه‌های توسعه اول، دوم و سوم در کاهش فقر در مناطق شهری و روستایی، پژوهشکده تحقیقات اقتصادی.
۶. بانک جهانی؛ (۲۰۰۱) گزارش توسعه و کاهش فقر جهانی (۲۰۰۱-۲۰۰۰)، مترجم سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
۷. نقاشی، خسرو؛ شفیعی، شهریار؛ (۲۰۰۱) سنجش فقر با تأکید بر خانواده‌های شهری در استان مازندران، مجله اقتصادی مدرس، سال اول، بهار ۲۰۰۲.
۸. حسن زاده، محمد؛ ابراهیمی، رضا (۲۰۰۷). استراتژی کاهش فقر، تجربه کشورهای آسیای شرقی، پژوهشکده اقتصاد.
۹. خالدی، کوهارس؛ زورا، پرم، (۲۰۰۵). بررسی فقر در مناطق شهری و روستایی ایران، مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی، سیزدهم، شماره ۴۹.
۱۰. خداداد کاشی، فرهاد؛ سلیمانی نژاد، علی اکبر؛ (۲۰۱۲) برآورد خط فقر و تغییرات آن در مناطق روستایی استان اصفهان، فصلنامه جغرافیایی، شماره ۲.
۱۱. خداداد کاشی، فرهاد (۲۰۰۲). شاخص‌های فقر در ایران، مرکز آمار ایران.
۱۲. زیاری، کرامت‌الله موسوی، میرنجاق (۱۳۸۷). تحلیل اندازه‌گیری و توضیح خط فقر و سیاست‌های کاهش فقر در استان یزد، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۵.
۱۳. سلامی، حبیب‌الله؛ محتشمی، نازیلا؛ (۲۰۱۶) ارزیابی تعدیل مصرف فقر مطلق در استانهای ایران: رویکرد آشکارسازی نظریه اولویت، اقتصاد کشاورزی، شماره ۱، صص ۲۹-۵۱.
۱۴. امیدور، شهرام؛ (۱۳۸۹)، جغرافیای استان چهارمحال و بختیاری، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
۱۵. عرب مزار، عباس؛ حسینی نژاد، سید مرتضی؛ (۲۰۰۴) گزارش میزان فقر و شدت در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی در ایران، اقتصاد و توسعه کشاورزی، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
۱۶. فاتراس، محمدحسن، قدسی، سوده (۱۳۹۶). مقایسه عملکرد برنامه‌های توسعه ایران با شاخص‌های فقر چند بعدی محاسبه شده توسط آلرک و فاستر، مجله تحقیقات توسعه و توسعه اقتصادی، شماره ۲۷، صفحات ۴۵-۶۴.
۱۷. خاناتین، آزاده، خسرو پیرایی (۱۳۸۵). تأثیر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در ایران: سنجش شاخص رشد برای منافع فقرا، مجله تحقیقات اقتصادی، جلد ۸، شماره ۲۹، زمستان ۲۰۰۶، صص ۱۱۳-۱۴۱.

۱۸. کازرونی، علیرضا(۱۹۹۶). تحلیل اندازه گیری و منشأ فقر و سیاست کاهش فقر در ایران، مجله دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، سال دوم، شماره ۴، تبریز.
۱۹. معنویت، مهران(۱۳۷۸). تجزیه و تحلیل فقر(مطلق و ذهنی) در استان کردستان، دکتر محمدعلی آفتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، شهریور ۱۳۷۸.
۲۰. مهربر هیر، میر نصر؛ شکوهی فرد، سیامک؛(۲۰۱۶) مطالعه تطبیقی تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد و فقر در کشورهای منتخب اسلامی(رویکرد داده پانل). مجله علمی رشد اقتصادی و تحقیقات توسعه، دوره ۶، شماره ۲۵، صفحات ۹۳-۱۰۸.
۲۱. میر شجاعی، فخری؛(۲۰۱۱) مروری بر وضعیت فقر در جهان. فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره. ۱۹، شماره ۵۸، صفحه ۲۰۵-۲۳۰.
۲۲. مرکز آمار ایران؛(۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶). نتایج تفصیلی از نظرسنجی جمعیت و درآمد خانواده در مناطق شهری، ۲۰۱۱-۲۰۱۶. تهران.
۲۳. مرکز ایران(۲۰۱۱-۲۰۱۶). نتایج تفصیلی از بررسی جمعیت و درآمد خانواده روستاها در سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۶.
24. Assaad, Roguo(1999). Poverty and Poverty Alleviation Strategies Social Science , Vol. 11.No,23
25. Centre for the Study of Living Standards(CSLs),(2003). Productivity Growth and Poverty Reduction in Developing Countries, Background Paper, prepared for the 2004 World Employment Report of the International Labour Organization.
26. Fan, S. and Zhang, X.(2001). Production and Productivity Growth in Chinese Agriculture: New National and Regional Measures, Economic Development and Cultural Change, forthcoming.
27. Hayati, D. and Karami, E. 2005. Typology of causes of poverty: The perception of Iranian farmers. Journal of Economic Psychology, 26: 884- 901.
28. Hayati, D., Karami, E. and Slee, B. 2004. Combining qualitative and quantitative methods in the measurement of rural poverty: The case of Iran. Social Indicators Research, 75: 361-394
29. Marx, Ive. K. Van den Bosch(2007). How Poverty Differs from Inequality on Poverty Measurement in an Enlarged Eu Context: Conventional and Alternative Approaches.
30. Ruggles, P.(1992). Measuring Poverty University of Wisconsin Madison Institute for Research on Poverty, Vol.14. No.1, Spring.
31. Sen, Amartya K.(1981). Poverty and Famine, an Essay on Entitlement and Deprivation. Clarendon Press; Oxford, U.K. Thompson, J. and Smeeding, T.(2013). Inequality and poverty in United States. Finance and Economics Discussion, Series 5.
32. Townsend, Peter(1985). A Sociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen. Oxford Economic Papers.
33. United Nations Development Programme(2013). Human Development Report-Malaysia.